

شهید سید عبدالمحمد کراماتی



ازتبار علی
سازمان جامع سرواران و دهستانهای استان بوشهر

نام پدر	سید کمال
تاریخ تولد	۱۳۴۷/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۰۶/۱۵
محل شهادت	فاو
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیجی
شغل	کارگر
تحصیلات	
مدفن	بردستان

زندگینامه

شهید سید عبدالمحمد (عبدالزهره) کراماتی، در سال ۱۳۴۷ در بردستان دیده به جهان گشود. خانواده شهید چون از سادات با کرامت و مشهور منطقه هستند، و به دلیل علاقه خاص به حضرت زهرا مرضیه (س)، او را به «عبدالزهره» صدا می زدند.

شهید در دوره کودکی مبتلا به بیماری های سنگینی شد که مادرش علاوه بر وظیفه مادری خود، به پرستاری فرزندش می پرداخت. هشت ساله بود که به مدرسه رفت و تا چهارم ابتدایی در زادگاهش به تحصیل ادامه داد.

شهید کراماتی، در راهپیمایی ها و مراسمات مذهبی و سیاسی شرکت فعال داشت و همیشه در مجالس عزاداری سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) حضور داشت.

شهید نسبت به خانواده و به خصوص مادرش، احترام می گذاشت و برخوردش با بستگان نیز خیلی خوب بود. علاقه زیادی به بسیج و حضور در جبهه داشت و بیشتر اوقات را در بسیج می گذرانید. در خانه نیز با برادران خویش با عنوان بسیج و جبهه، بازی ها و حرکاتی می کرد و شور و عشق جبهه را در وجود آن ها زنده می کرد و زمینه وفاداری به اسلام را در بچه ها به وجود می آورد.

نسبت به امام و انقلاب علاقه خاصی داشت و همیشه شوق شرکت در جبهه را داشت که در طی جنگ تحمیلی، پنج نوبت در جبهه های غرب و جنوب غرب یافت. در آخرین مرحله در تاریخ ۸/۶/۱۳۶۵ همراه با هفتمین کاروان راهیان کربلا از شهرستان دیر به جبهه فاو اعزام شد که در تاریخ ۱۵/۶/۱۳۶۵ به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

بنام او که همه چیزم از اوست. سلام بر تو ای روح خدا و سلام بر شما که درس شهادت را در دانشگاه کربلا آموختید و بی پروا چون کبوترهای آزادی از دشتهای خون و آتش بسوی معشوق پر کشیدید و در نوبهار سبز شهادت بر بالهای ابر نشسته و از این دیار به کبریا شتافتید. سلام بر شما که پاسداران شط خون تا دریای بیکران شهادتید و مشهدتان کربلای ایران. روزی در جنوب پاره پاره و روزی در پاوه سربریده میشوید و یا با بدنهای سوراخ سوراخ در زندانهای مخوف خلقیها اسیر می شوید. راستی شما به چه میمانید که هنگام فتح قله های پیروزی سوار بر اسب شهادت این چنین مظلومانه سرود سرخ شهادت سر میدهید. گویی که از فتح ستاره ها می آید. اما افسوس که در فقدانان لاله ی آتشین چهل پاره و زمین چاک چاک می شود و اکنون که به پیشگاه او راه یافته اید همواره از او برای ما آرزوی شهادت نمائید تا شاید ما نیز به خیل شما پیوستیم.

سلام بر شما امت جگر سوخته. امتی که بدنهای بر خون نشسته فرزندانان سرزمین اسلام را باتلاقی از خون ساخته، غمین مباشد. هر چند نامردها بهشتی و با هنر و رجایی را در آتش ذغال و پاسدارانتان را زنده زنده در آتش می سوزانند اگر اینها نیستند خدای شما زنده و جاوید است و او حامی شماست فقط بر آن باشید تا فراموش ننمایید زیرا او بر همه چیز تواناست. حال تقوی و مقاومت پیشه سازید هر چند تا بحال متقی و مقاوم بوده اید.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار

سرباز کوچک اسلام: عبدالمحمد کراماتی



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران